

تبیین پیوند امنیت انسانی و توسعه پایدار
مائده صمدی^۱ - سیدباقر میرعباسی^۲ - محمد حسن حبیبی^۳ - کامران احسانی^۴
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۰

چکیده:

امنیت انسانی و توسعه پایدار هر دو در زمره مفاهیم انسان‌گرا و مهم‌ترین وجه مشترک آنها، این است که هر دو پارادایم، متضمن ایده‌هایی جهت حمایت از انسان و حقوق وی می‌باشند و حول موضوع انسان و حمایت از حقوق وی هم‌پوشانی دارند. ضمن توجه به تقدم و تاخر طرح امنیت انسانی و توسعه پایدار به لحاظ مباحث نظری و ظهور آن دو در نظام حقوق بین‌الملل، مساله این است که چگونه و در چه زمینه‌ای امنیت انسانی و توسعه پایدار در نظام حقوق بین‌الملل با یکدیگر در تعامل هستند. بررسی چگونگی تعامل توسعه پایدار و امنیت انسانی امری است که مدنظر می‌باشد و در این مقاله تلاش می‌شود تا ارتباط این دو پارادایم و تاثیر و تاثر هر کدام بر یکدیگر بررسی شود. شایان ذکر است که امنیت زیست محیطی به عنوان یکی از ابعاد هفت‌گانه امنیت انسانی، نقش کلیدی در دستیابی به توسعه پایدار ایفا می‌کند و توسعه پایدار بدون تامین امنیت زیست محیطی امری غیرممکن است.

واژگان کلیدی: امنیت، توسعه، نظام حقوق بین‌الملل، امنیت انسانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ - دانشجوی دکتری، حقوق بین‌الملل، واحد بین‌الملل قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، هرمزگان، ایران
m.samadi362@gmail.com

^۲ - استاد تمام و عضو هیات علمی، دانشگاه تهران، تهران، ایران: نویسنده مسئول
mirabbassi@parsilo.com

^۳ - استاد تمام و عضو هیات علمی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
mhhabibi@gmail.com

^۴ - استاد تمام و عضو هیات علمی، دانشگاه واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، هرمزگان، ایران
ezas47@gmail.com

مقدمه

آیینی که فایده یا اصل بیشترین خوشبختی را به عنوان پایه اخلاقیاتش می‌پذیرد بیانگر این اعتقاد است که هر عملی به نسبتی که می‌تواند خوشبختی را بیشتر کند درست است و به نسبتی که ممکن است موجب بدبختی شود نادرست است. (Mill, 1972: 6) لذا اگر با این سوال به پیشواز موقعیت عملی برویم که از میان همه اعمالی که می‌توان انجام داد کدام یک بهترین نتیجه را به بار خواهد آورد و کسی که یگانه هدفش به بار آوردن بهترین نتیجه است، بر این اساس بی‌میل نخواهد بود دستش را در انتخاب موثرترین راهکار برای رسیدن به هدف باز بگذارد. (جان‌گری، ۱۳۸۹: ۱۹)

افزودن محیط زیست به مباحث توسعه و طرح پارادایم توسعه پایدار امری سودمند و به نفع تمامی جامعه بشری است. اندیشه توسعه پایدار مولود دهه هشتاد میلادی است. برای نخستین بار در سال ۱۹۸۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، «کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه» را تشکیل داد که در آن، سندی تأثیرگذار به نام «آینده مشترک ما» توسط گروه‌الم برونتلند، نخست وزیر وقت نروژ، ارائه شد. این گزارش خواستار قرار گرفتن توسعه پایدار به عنوان مبنای هر فعالیت اقتصادی انسانی با تمرکز بر نگرانی جدی نسبت به محیط زیست و پیوند آن با تلاش برای بالا بردن سطح زندگی فقرا در جهان بود. (Boyle, 2001: 1)

به این ترتیب توجه به توسعه پایدار از دهه هشتاد میلادی به این سو یکی از دغدغه‌های اصلی جامعه بین‌المللی تبدیل گشت و پس از ارائه گزارش نهایی برونتلند در سال ۱۹۸۷ در قانون توجهات بین‌المللی قرار گرفت. یک سال پس از آن، مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه شماره ۴۴/۲۲۸ مورخ ۲۲ دسامبر ۱۹۸۹ را تصویب کرد و خواستار تشکیل کنفرانسی در مقر سازمان ملل متحد درخصوص محیط زیست و توسعه گردید و در نهایت پس از دو سال بررسی مداوم و اظهارات بحث برانگیز در این خصوص، سرانجام کنفرانس مورد نظر در ژوئن ۱۹۹۲ در بیستمین سالگرد کنفرانس استکهلم در مورد محیط زیست در ریودوژانیرو برگزار گردید. ثمره این کنفرانس طرح مجدد و تأکید بر مفهوم «توسعه پایدار» در قلمرو حقوق بین‌الملل و قراردادان انسان در قانون اهداف توسعه پایدار بود.

بدیهی است که نفع اساسی همه انسان‌ها در بهره‌مندی از امنیت است. نفعی که در اینجا دخیل است امنیت است و کل بشریت این احساس را نسبت به آن دارند که حیاتی‌ترین همه منافع است و چیزی است که هیچ‌کس بی‌آن نمی‌تواند سر کند. (Mill, 1972: 50) جان استوارت میل در فایده‌گرایی بیان می‌دارد: انسان می‌تواند اشتراک منافی میان خودش و اجتماعی انسانی که او جزئی از آن است ببیند به نحوی که هر رفتاری که امنیت جامعه را در کل تهدید کند برای خود او نیز تهدیدکننده باشد. (Mill, 1972: 48) به طور اصولی انسان پس از برآورده شدن نیازهای فیزیولوژیکی نیاز به وجود امنیت و احساس ناشی از آن دارد. تا مدت‌ها مفهوم امنیت به حراست از سرزمین، جمعیت، حکومت و حاکمیت با حفظ تمامیت ارضی در چارچوب امنیت ملی محدود بود و این تصور سنتی از مفهوم امنیت، که امنیت سرزمینی و نظامی بود ادامه داشت تا آنکه برنامه توسعه ملل متحد دکتترین امنیت انسانی را تدوین نمود. پیش‌تر از آن برای نخستین بار اصطلاح امنیت انسانی در گزارش کمیسیون مستقل مسایل امنیتی خلع سلاح مشهور به کمیسیون پالمه¹ در سال ۱۹۸۲ مطرح شده بود. تقریباً پس از گذشت یک دهه از ارائه این گزارش، برنامه توسعه ملل متحد در گزارش سال ۱۹۹۴ خود (Human Development report, 1994)، ایده ارائه شده در آن را مورد توجه جدی قرار داده و به این ترتیب مفهوم جدیدی از امنیت، تحت عنوان امنیت انسانی شکل گرفته و ابعاد گوناگون آن مورد توجه قرار گرفت. (در سال ۱۹۹۴ اصطلاح امنیت انسانی از سوی «محبوب الحق» اقتصاددان و دیپلمات پاکستانی و مشاور مخصوص برنامه توسعه سازمان ملل در گزارش توسعه انسانی برنامه عمران ملل متحد با تأکید بر رهایی از نیاز و ترس به عنوان راه حل رفع ناامنی در جهان مطرح شد) در واقع با پایان یافتن جنگ سرد و فروپاشی شوروی سابق و طرح مباحث جدید در زمینه امنیت پژوهی، ایده امنیت انسانی از پیوند دو حوزه توسعه و امنیت شکل گرفت. (Keith, 2004: 43) امنیت انسانی با ویژگی‌های «جهان-شمولی»، «بازدارندگی» و «انسان محوری» تهدیدات معطوف به امنیت انسان‌ها را در هفت دسته: فرد، جامعه، سیاست، اقتصاد، غذا، بهداشت و محیط زیست، طبقه‌بندی کرده است. (Gary, 2002: 43)

¹ - Palme

ارتباط توسعه پایدار و امنیت انسانی بسیار نزدیک و پیچیده است. مساله عمده امنیت انسانی دسترسی مردم به منابع طبیعی و آسیب‌پذیری نسبت به تغییرات زیست محیطی است و مساله عمده محیط زیست تاثیرپذیری مستقیم یا غیرمستقیم از فعالیت‌های انسانی و جنگ‌ها و تعارضات است. امنیت انسانی همانند توسعه انسانی، توسعه پایدار را در سه بعد محیط زیست، اقتصاد و جامعه مدنظر قرار دارد و هدفش رسیدن به مفهوم جامع امنیت پایدار است. (Sanjeev, 2003.289) در راستای دستیابی به مفهوم جامع پایداری چه به لحاظ امنیتی و چه از منظر توسعه، نحوه تعامل این دو پارادایم در نظام حقوق بین‌الملل را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- امنیت و توسعه به مثابه آزادی

اجبار یک انسان یعنی محروم ساختن او از آزادی انسان تا آنجا آزاد است که دیگری دخالتی در کار او نداشته باشد. معنای آزادی به قدری موسع است که با هرگونه تفسیری تطابق دارد. آیزایا برلین در چهار مقاله درباره آزادی در خصوص مفاهیم منفی و مثبت آزادی بیان می‌دارد: آزادی منفی (سلبی) عبارت از این است که از مداخله دیگران در امان باشیم و بنابراین هر چه حدود عدم مداخله فراتر رود محدوده آزادی وسیع‌تر خواهد بود. (برلین، ۱۳۸۰: ۲۳۹) در مقابل، آزادی مثبت (ایجابی) عبارت از ارباب و صاحب اختیار خود بودن و زمام اختیار به دست گرفتن و حکومت بر خود می‌باشد بدین معنی که اختیار انسان در دست خود راستین او باشد. (همان: ۲۴۵)

به عقیده برلین، ناحیه مصون از دخالت باید به قدر کافی وسیع باشد که حداقل توسعه برای بروز استعدادهای طبیعی انسان فراهم شود. همچنین می‌گوید این ناحیه باید به حد کافی وسیع باشد تا به فرد اجازه درک و دنبال کردن اهدافی را بدهد که مقدس می‌شمارد. ناحیه مزبور باید فقط با هدف جلوگیری از تمام مقاصد انسان‌ها مرزبندی شود.

امنیت و توسعه هر دو از مشرب آزادی سیراب می‌شوند و دارای وجوه سلبی و ایجابی و مشمول آزادی و استحقاق، می‌باشند. وجه آزادی آن شامل حفظ حق دسترسی به امنیت و توسعه و نیز رهایی از دخالت بوده و در مقابل، جنبه استحقاقی آن از جمله نظام مدیریت و اتخاذ تدابیری جهت ایجاد برابری فرصت افراد در بهره‌مندی از این حقوق را تضمین می‌کند.

آمارتیا سن در کتاب توسعه به مثابه آزادی، توسعه را به مثابه (به مانند) فرآیند گسترش آزادی‌های واقعی که مردم از آن بهره می‌برند، می‌داند. در این رویکرد، گسترش آزادی هم به عنوان هدف اولیه و هم به عنوان ابزارهای اصلی توسعه در نظر گرفته شده است. نقش نهادهای آزادی، با اهمیت آزادی‌های اساسی در غنی کردن زندگی انسان، ارتباط دارد. آزادی‌های اساسی شامل قابلیت‌های اولیه (مانند توانایی در اجتناب از گرسنگی، سوءتغذیه، بیماری و مرگ زودرس) و به علاوه آزادی‌هایی که با سواد خواندن، لذت بردن از مشارکت سیاسی و بیان آزاد و ... همراه است. در این چشم‌انداز اساسی، توسعه، گسترش موارد مذکور و سایر آزادی‌های اساسی را در بر می‌گیرد. لازم به ذکر است که امنیت در این رویکرد نقش آزادی ابزاری را ایفا می‌کند به نحوی که با ایجاد زیربنا و فراهم ساختن بستر لازم و تامین شبکه‌های مورد نیاز مسیر دستیابی به توسعه را تسهیل می‌کند. امنیت در مفهوم نوین خود (امنیت انسانی) توانمندی‌های عام افراد را برای زندگی تقویت و به مردم کمک می‌کند تا آنگونه که بخواهند زندگی کنند و خود شامل چند عامل مکمل است:

آزادی سیاسی (امکان بررسی عملکرد و انتقاد از مسئولان، آزادی بیان و مطبوعات و در یک کلام دموکراسی)، آزادی اقتصادی (شامل حق مالکیت، بازار آزاد، افزایش درآمد، تولید، مصرف و مبادله کالاهای اقتصادی)، آزادی اجتماعی (بهبود وضع زندگی، آموزش، بهداشت)، تضمین شفافیت (درجه آشکاری امور و حق افشاگری که در نهایت از فساد جلوگیری می‌کنند) و امنیت حمایتی (حمایت از آسیب‌پذیران مثل فقرا و بیکاران و...).

آمارتیا سن بر این نظر است که مفهوم امنیت انسانی از چهار مولفه تشکیل شده است:

۱- در مقابل مفهوم سنتی امنیت ملی که صرفاً بر حوزه نظامی تاکید داشت، تمرکز آشکاری بر زندگی افراد دارد؛

۲- به نقش جامعه و ترتیبات اجتماعی در ساختن زندگی ایمن‌تر به شیوه‌ای سازنده بها می‌دهد؛

۳- بر تلاش برای تحقق حقوق اولیه انسان‌ها تاکید دارد؛

۴- به صورت مستدلی پیش از آنکه بر وجوه مخاطره‌آمیز (تهدید) زندگی انسانی تمرکز داشته باشد بر گسترش موثر آزادی در شکل عام آن تاکید دارد (فرصت). (Sen, 2002: 1-2)

در تلقی سنتی از توسعه، دولت به عنوان محافظت کننده و مدافع توسعه، ارزشی بنیادین دارد اما در بحث امنیت انسانی دو ارزش محوری می‌یابد. امنیت و رفاه در قالب مادی آن و آزادی افراد. در این تلقی ابعاد کیفی توسعه بیشتر در رابطه با گسترش توانمندی انسان‌ها و تلاش برای ارتقای سطح زندگی آنها تحلیل و ارزیابی می‌شود.

چهار مولفه مهم امنیت انسانی را از توسعه دولت محور متمایز می‌کند که می‌توان آنها را چنین برشمرد: (Khagram, Sanjeev, 2003.292)

نخست چرخش آشکاری است که از تمرکز بر آنچه یا کسی که از آن محافظت می‌شود، یعنی از تمامیت ارضی به موجودیت انسانی، روی داده است. این رویکرد که از آن به امنیت پایدار نیز تعبیر می‌شود در تلاش است تا تعاملی پیچیده میان دولت، انسان و طبیعت ایجاد کند. دوم گسترده شدن معنای امنیت، امنیت برخلاف گذشته که صرفاً بر بقای دولت‌ها تاکید داشت به بقای انسان‌ها و کرامت آنها هم توجه می‌نماید. سوم این ادعا که بقا و کرامت انسانی نیازمند رهایی از ترس و فقر است. توسعه انسانی به عنوان گسترش مستمر حوزه آزادی انسان شکوفایی توانمندی‌های انسان در نتیجه رهایی از این موانع است. چهارم اولویت یافتن حمایت و ترویج حقوق انسانی بر حقوق دولت (نظیر حاکمیت سرزمینی).

پس از مرور امنیت و توسعه در رویکردی انسان محور و تطابق آن با مفاهیم دوگانه آزادی، به بررسی امنیت انسانی و توسعه پایدار و سیر تدریجی تحول آن دو در نظام حقوق بین‌الملل می‌پردازیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱- امنیت انسانی

بازاندیشی در مفهوم امنیت و قرار گرفتن فرد انسانی در مرکز دغدغه‌های امنیتی موجب طرح مفهوم امنیت انسانی و ایجاد تغییرات در نحوه تامین امنیت شد. با گذشت زمان و ایجاد تغییرات در توقعات و نیازهای انسان‌ها، متغیرهای جدیدی برای تعریف امنیت وارد عرصه می‌شوند. امنیت انسانی در ارتباط با مردم همه نقاط جهان، چه کشورهای ثروتمند و چه کشورهای فقیر موضوعیت دارد. عوامل تهدید کننده امنیت انسانی ممکن است در نقاط مختلف متفاوت باشد ولی به هر ترتیب به امنیت مردم در گوشه‌ای از جهان درگیری همه ملت‌ها را محتمل می‌سازد. (UNDP Human Development Report 1994) برای مثال امروزه

پدیده‌ای چون تخریب محیط زیست چه به واسطه پویش‌های طبیعی و چه توسط عامل انسانی از مهم‌ترین عوامل بر هم زننده امنیت بشر تلقی می‌شود در حالی که تا چندین سال پیش چنین امری غیرقابل تصور بود. با بهره‌گیری از یک نگرش نظام‌مند، گزارش ۱۹۹۴ توسعه انسانی، چهار ویژگی اصلی امنیت انسانی را شناسایی کرده است.

- امنیت انسانی، موضوعی جهانی است که همه مردم جهان اعم از فقیر و غنی را شامل می‌شود.

- اجزای امنیت انسانی به هم مرتبطند.

- امنیت انسانی از طریق پیشگیری به موقع بهتر تضمین می‌شود تا مداخله بعدی.

- امنیت انسانی مردم محور (انسان محور) است. این مفهوم به چگونگی زندگی مردم در جامعه با محدودیت‌ها و فرصت‌های آنان در شرایط صلح یا درگیری، ارتباط می‌یابد. در فرایند توسعه، امنیت انسانی باید ورای مرزهای جغرافیایی و مسایل نظامی باشد. امنیت شغلی، امنیت در آمد، امنیت سلامتی، امنیت زیست محیطی، امنیت قضایی، از مهمترین دغدغه‌های مربوط به امنیت انسانی در سراسر جهان است. امنیت انسانی می‌تواند به مبحث توسعه پایدار نکات مفیدی اضافه کند و توجهات را به برخی وجوه مغفول جلب نماید:

محققان و سیاستگذاران، به مباحث و موضوعات کلان اقتصادی و زیست محیطی توجه دارند و مبحث توسعه انسانی و امنیت انسانی که بر تقویت ستون اجتماعی توسعه پایدار تأکید دارد، می‌تواند به هدف گذاری و تعیین اولویت‌ها و برنامه‌ریزی‌های آینده کشورها کمک کند. به عبارت دیگر، اهداف و اولویت‌هایی که مورد توجه امنیت انسانی است، می‌تواند در تقویت ستون اجتماعی توسعه پایدار به کار آید و باعث تجدید نظر و تنظیم مجدد آنها شود. (با تأکید بر اصل ۱۰ بیانیه ریو پیرامون محیط زیست و توسعه ۱۹۹۲ که مشارکت شهروندان در سطوح مناسب را در حل و فصل مسائل مربوط به محیط زیست موثر می‌داند) و همچنین در گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۳، بر توجه خاص به گسترش آزاد منشی و اصل مشارکت مردم تأکید شده است و بیان می‌دارد استراتژی‌های جدید توسعه پایدار انسانی باید توسعه را برای مردم بخواهند تا آنکه مردم صرفاً وسیله‌ای در خدمت توسعه تلقی شوند.

امنیت انسانی و توسعه انسانی با تجزیه و تحلیل ستون اجتماعی توسعه پایدار، از مفهوم

"استاندارد زندگی" فاصله می‌گیرد و به "زندگی‌های پایدار" توجه می‌کند و رویکرد نخست به آزادی‌های خاصی اولویت می‌بخشد که فقدان آنها ممکن است در استاندارد زندگی تأثیر محسوسی نداشته باشد. در عین حال، رویکرد "زندگی‌های پایدار" به سرشت متنوع و پلورا-لیستی زندگی در نقاط مختلف و الزامات آنها توجه می‌کند و زندگی پایدار در همه نقاط لزوماً یک شکل و مشابه نخواهد بود. (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۸) همان‌گونه که اصل ۶ بیانیه ریو پیرامون محیط زیست و توسعه ۱۹۹۲ اذعان می‌دارد نیازها و شرایط ویژه کشورهای در حال توسعه، خصوصاً کشورهای با حداقل توسعه و آن دسته از کشورهایی که از لحاظ محیط زیست آسیب‌پذیرتر می‌باشند، باید از اولویت خاص برخوردار گردند. اقدامات بین‌المللی در زمینه محیط زیست و توسعه همچنین باید پاسخگوی منافع و نیازهای اکثریت جهان باشد.

اشاره شد که امنیت انسانی دو وجه دارد؛ وجه اول رهایی از نیازهای مادی و اولیه انسانی و وجه دوم ابعاد غیرمادی یا به تعبیر دیگر کیفی است (توماس، ۱۳۸۲: ۲۶) و این وجه دوم شامل مشارکت آزادانه در حیات اجتماعی، استقلال فردی و رهایی از ساختارهای سرکوبگر است. همین وجه می‌تواند توسعه پایدار را از توجه و تمرکز بر نیازها به تمرکز بر حقوق و حق محوری در عرصه فرصت‌ها و امکانات سوق دهد. معنای این کلام آن است که در کنار حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، توجه به حقوق مدنی و سیاسی هم در اولویت قرار می‌گیرد و جزیی از برنامه توسعه پایدار می‌شود. به عبارت دیگر، در توسعه پایدار باید به توانمندسازی هم توجه داشت، یعنی بعد مثبت آزادی (قدرت و امکان) در کنار بعد منفی آن (رهایی از موانع و قیود) طرح می‌شود.

در رویکرد توسعه پایدار، به درستی بر حقوق نسل‌های آینده تأکید شده و استدلال می‌شود باید امکانات و منابع به صورتی عادلانه بین نسل‌ها تقسیم شود. در عین حال، عدالت در جامعه بالفعل موجود و به عبارت دیگر، عدالت در داخل یک نسل، از نظرها دور مانده است. از این حیث، افزودن پارادایم امنیت انسانی به توسعه پایدار، عنایت به عدالت در بین همه نسل‌های فعلی و آتی است.

۲- توسعه پایدار

توسعه پایدار را می‌توان توسعه‌ای تعریف کرد که در بستر امنیت انسانی ایمن می‌شود.

توسعه پایدار افزوده‌ها و بینش‌های قابل توجهی برای تقویت و تکمیل رویکرد امنیت انسانی دارد:

پارادایم امنیت انسانی به ستون جامعه و نقش تک‌تک انسان‌ها در توسعه پایدار اهمیت فراوانی می‌دهد اما توسعه پایدار بر وابستگی متقابل جامعه و طبیعت تأکید می‌کند. این وابستگی متقابل بدان معناست که محیط زیست و جامعه می‌توانند برای همدیگر فرصت‌زا و تهدیدزا باشند. تخریب محیط‌زیست، امکان و قابلیت زندگی انسان‌ها را از میان می‌برد و فجایع مهمی را باعث می‌شود. از سوی دیگر، حمایت و حراست از محیط زیست و تقویت آن تأثیرات مثبتی بر زندگی، رفاه و فرصت‌های ارتقا و رشد انسان‌ها خواهد داشت، زیرا علاوه بر بهره‌برداری از محیط زیست سالم و اکوسیستم کامل و بی‌نقص، از آسیب‌پذیری جوامع خواهد کاست. بنابراین، توجه به رابطه متقابل جامعه و طبیعت برای طرح و تأمین امنیت انسانی و نظریه پردازی در این خصوص لازم است. وابستگی متقابل طبیعت و جامعه امکان افزایش و ارتقای امنیت انسانی از طریق تقویت و حراست از طبیعت را نیز به عنوان بهترین گزینه در رابطه متقابل فوق، مطرح می‌کند.

تهدیدات و فرصت‌هایی که از انسان‌ها به لحاظ زمانی یا مکانی دورند، کمتر جدی قلمداد می‌شوند و شاید از این روست که توافقات قابل ملاحظه بین‌المللی برای حفظ محیط زیست کره زمین حاصل نشده است. بنابراین، در آن مناطق و نواحی که دارای اشتراک در منافع یا ریسک می‌باشند، امکان توافق و همکاری بیشتری وجود دارد. از این حیث، توسعه پایدار که به نواحی و مناطق و مخاطرات متوجه آنها بیشتر توجه دارد، می‌تواند راهنمایی برای تهیه نقشه ریسک امنیت انسانی باشد، زیرا امنیت انسانی بدون توجه به مناطق و نواحی خاص، بحثی تئوریک و دور از عمل خواهد ماند.

برای تدوین خط مشی و استراتژی کامل امنیت انسانی، باید به مشکلات و شکایات انسان‌ها و جوامع گوش داد. برای این منظور، باید انسان‌ها و جوامع ابتدا آگاه سپس توانمند شوند تا بتوانند آرا و نظرات خویش را بیان کنند. برنامه ریزی از بالا به پایین و تکنوکراتیک که برحسب تفکرات و آرای متصدیان و بوروکرات‌ها صورت می‌گیرد نمی‌تواند جوابگوی نیازهای انسان‌ها باشد. به این ترتیب می‌توان دید دو پارادایم نکات متعددی به یکدیگر می‌آموزند و از

جهات گوناگون می‌توانند مکمل همدیگر باشند. شایان ذکر است که امنیت انسانی و توسعه پایدار تنها زمانی موفق خواهند بود که ساختارهای نهادی دموکراتیک و موثر برای آنها ایجاد شده باشد. لذا حکمرانی جهانی دموکراتیک مورد نیاز است. نهادهای جهانی - به عنوان بخشی از کل سیستم سیاسی جهانی چند جانبه و چند سطحی - باید توانایی پیدا کنند تا قدرت فراهم کردن انتظارات و خواسته‌های شهروندان جامعه جهانی را در مورد آینده‌ای امن و قابل دوام عملی کنند. این نهادها باید مشروعیت دموکراتیک خود از طریق شفافیت عملکرد و پاسخگویی افزایش داده و موجب تقویت اعتماد شوند.

در امنیت زیست محیطی و توسعه پایدار علاوه بر تاکید بر طبیعت، موضوعات عمده‌ای چون جنگ آب، دسترسی به انرژی، بحران نفت، مهاجرت انسانی، نبردهای شدید مدنظر قرار دارند. به طور نمونه از سال ۱۸۱۴ تا ۲۰۰۰ دولتها ۳۰۰ معاهده در خصوص پاسخگویی به مسایل آب غیرقابل کشتیرانی منعقد کرده‌اند. تغییرات زیست محیطی تاثیر مستقیم و فوری بر رفاه و نحوه زندگی انسانها دارد. مثلا کمبود آب می‌تواند علت جنگ نباشد اما به قدری گسترده باشد که باعث کم شدن آب بدن و مرگ، کمبود تولید مواد غذایی و تحلیل بردن فرصت‌های زندگی گردد. تاثیر محیط بر بقا، رفاه، کرامت و همه جوانب امنیت انسانی قابل مشاهده است. تغییرات زیست محیطی می‌تواند تاثیر عمده‌ای بر بهداشت و سلامت تا تولید محصولات اقتصادی و ... ناپایداری سیاسی داشته باشد. تهدیدات محیطی می‌تواند بر رده‌های مختلفی از افراد، خانواده‌ها، جوامع، سازمان‌های اجتماعی، گروه‌های گوناگون هویتی (زنان، کودکان، قومی) پراکندگی‌های جغرافیایی دولتها تاثیر داشته باشد. محیط زیست علاوه بر تهدیدات، فرصت‌هایی هم جهت بهبود امنیت انسانی ایجاد می‌کند. حمایت و تقویت محیط زیست می‌تواند پیامدهای مثبتی برای زندگی مردم داشته باشد. در واقع این امر فقر، کمبود، آسیب پذیری را تا سطح کاهش می‌دهد. نهایت اینکه محیط زیست بهتر، فرصت‌های بهتری را برای امنیت انسانی فراهم می‌کند. (Khagram, Sanjeev, 2003. 289)

توسعه بر وضعیت اجتماعی و نقش فردی انسان‌ها تاثیر می‌گذارد. فرد در بستر توسعه زمینه‌های عمل و فعالیت متعدد را کسب می‌کند. همچنان نقش فرد در برابر دولت نیز اهمیت می‌یابد. به عبارتی امنیت فرد بسط می‌یابد که از آن به امنیت انسانی تعبیر شده است. امنیت

انسانی همه جنبه‌های حیات انسانی و همه‌ی مردمان را در کشورهای فقیر و کشورهای در حال توسعه را در بر می‌گیرد. این رهیافت فراتر از توسعه اقتصادی است و همه جوانب انسانی را مد نظر دارد. این رهیافت نیازها، آرزوها و توانمندی‌های انسان را در فرایند توسعه محور قرار می‌دهد.

توسعه انسانی در پی امنیت انسانی ممکن است. برای امنیت انسانی رهایی از نیاز، رهایی از ترس، رهایی از مخاطرات و برخورداری از آزادی ضروری است. رهایی از نیاز با چهار پارادایم توسعه اقتصادی میزان کاهش فقر در جامعه، میزان تحصیلات و میزان مرگ و میر یا امید به زندگی سنجیده می‌شود. رهایی از ترس نیز با میزان خشونت سیاسی، تعداد زندانی‌های سیاسی و میزان آزادی‌های مطبوعاتی و نفوذ ارتباطات سنجیده می‌شود. (یزدان فام، ۱۳۹۰: ۲۱۷) امنیت انسانی بعد دیگری هم دارد که نشان دهنده وجود یا عدم وجود دولت نیست، بلکه نشان دهنده نوع نظام سیاسی و کارآمدی دولت است. آزادی و رهایی از مخاطرات به نسبت رعایت حقوق و آزادی‌های سیاسی افراد جامعه و هم به توانایی دولت در ارائه خدمات جامعه مربوط است. توانایی دولت در مدیریت اوضاع و نیازهای انسانی خطرات ناشی از رویداد-ها و بروز بلایای طبیعی را به حداقل می‌رساند. این بعد از امنیت انسانی فراتر از امنیت اولیه است که برای زنده ماندن ضروری است. (همان: ۲۵۰) برای رسیدن به توسعه انسانی، تامین ضروریات اولیه و دسترسی فرد به نیازهای ثانویه الزامی است. توسعه و امنیت دارای رابطه دو سویه می‌باشند. توسعه اگر فرایند کلان فرض شود. امنیت در توسعه به صورت فرایندی متحول می‌شود، اما از سوی دیگر زمینه توسعه نیز می‌تواند باشد. به عبارتی توسعه فرایند محور است و امنیت زمینه محور. توسعه و امنیت در به صورت فرایندی و زمینه‌مندی، لازم و ملزوم یکدیگر می‌باشند. تجارب بشری نشان می‌دهد که توسعه یافتگی یگانه راه پرپیچ و خم رسیدن به امنیت و ثبات پایدار است. چرا که آزادی، رفاه، دانایی و احترام، خواسته و ضروریات غیر قابل اغماض انسان امروزی است. این مهم برآورده نمی‌شود جز با قدم گذاردن در راه توسعه.

۳- تعامل دو پارادایم

مفهوم توسعه پایدار پدید آمد تا تلفیقی را میان حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل فراهم آورد. به طور نمونه در خصوص سازش دادن حقوق تجارت بین‌الملل با حقوق بین‌الملل بشر

می‌توان به این امر اشاره کرد که رکن تجدیدنظر سازمان تجارت جهانی پس از آن که در اولین تصمیم خود در سال ۱۹۹۶، رای داد که قواعد سازمان تجارت جهانی نمی‌باید در "انزوای علمی خشک" و جدا از سایر قواعد حقوق بین‌الملل عمومی عام تفسیر شوند، به بررسی سایر منابع هنجاری در حقوق و سیاست بین‌المللی پرداخت. این رکن آنگاه که در اختلاف میگو/لاک پشت درصدد تعیین معنای منابع تجدیدنپذیر بود به اسناد بین‌المللی گوناگونی استناد کرد و مفهوم توسعه پایدار مندرج در مقدمه موافقتنامه سازمان تجارت جهانی را مورد تایید قرار داد. (سالومون، ۱۳۹۱: ۲۴۸) این مفهوم که در طول حیات خود به شفافیت رسید در جایگاه بهره‌برداری همراه با امکان تجدید منابع و یا مدیریت منابع تجدیدنپذیر تثبیت شد. امروزه حقوق بین‌الملل درصدد آن است که پس از تکمیل مبانی نظری مورد نیاز راه برای ایجاد تعهدات حقوقی مستحکمی فراهم آورد تا دولت‌ها را به تضمین جدی‌تر توسعه پایدار ترغیب نماید. (همان: ۲۳۴) لذا حمایت از منافع زیست محیطی به منفعت اساسی تمامی دول بدل شده است و پیوندی اساسی با مولفه‌های امنیت انسانی دارد. توسعه پایدار باید به عنوان امری با فرآیند جمعی و جهانی جهت تغییرات اساسی به سوی ارتقای زندگی نوع بشر در بهره‌مند شدن از کیفیت در نوع زندگی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی به شکلی که تغییرات مستمر و دایمی باشد به کار گرفته شود. فصل مشترک دو پارادایم توسعه پایدار و امنیت انسانی، حمایت از انسان و ارزش‌های بنیادین انسانی و تامین زندگی مطلوب برای بشر است. آنچه برخی صاحب‌نظران به آن به عنوان ریشه‌های حقوق طبیعی حقوق بشر اشاره می‌کنند. (Dimitrijevic, Gruyter, 1984.383) بدیهی است که تعامل این دو پارادایم دوسویه و پیوندی ناگسستنی میان آن دو برقرار است. این پیوند علاوه بر رهنمون نمودن به رهیافت انسان محور، منتهی به این اندیشه نیز می‌شود که بهینه‌سازی زیست افراد جهان، امری است که دغدغه مشترک و چه بسا مسئولیت مشترک همگان است.

علی‌رغم تاکید برسرشت چند بعدی توسعه پایدار می‌توان ملاحظه کرد که سه حوزه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی، وجوه غالبند. (Sanjeev, 2003: 289) پس نوعی هم‌پوشانی بین دو پارادایم توسعه پایدار و امنیت انسانی وجود دارد که مشترکاً بر سه پایه اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی تأکید می‌شود. انگیزه طرح هر دو جریان فکری حمایت از حقوق بنیادین

بشر می‌باشد. همان‌گونه که این مساله در اظهارات کوفی عنان به خوبی بیان شده است: «دنبال کردن مباحث توسعه، مشارکت در جهانی شدن و مدیریت تغییرات همگی باید انگیزه‌هایی در خدمت حقوق بشر باشند» (Steiner, 2000).

در گزارش بانک جهانی و یونسکو نیز بر ارتباط امنیت انسانی و توسعه پایدار تاکید شده است: بانک جهانی در سال ۲۰۱۱ گزارش خود را تحت عنوان "جنگ، امنیت و توسعه" منتشر نمود. (www.worldbank.org /Report of 2011) در گزارش خود بر تهدید فراگیر خشونت و همچنین بر پیشگیری از آن و در عین حال بازگرداندن به وضعیت ثبات و عدم خشونت تاکید دارد که بسیار دشوار است اما گامی است در راستای توسعه پایدار. پیام اصلی بانک جهانی تقویت نهادهای قانونی است و اینکه حکومتها امنیت، عدالت و اشتغال به شهروندان ارائه دهند که این امر برای شکستن چرخه خشونت بسیار مهم است. به منظور دستیابی به این هدف در سطح ملی به دولت دموکراتیک و باثبات و قانون‌گذاری نیاز است و در عرصه بین‌المللی جهت مقابله با خطرات قرن ۲۱ باید بر پیشگیری از خشونت جنایی و سیاسی متمرکز شد که این امر جز با مشارکت جهانی و اقدامات مشترک دول بزرگ از طریق نظام ملل متحد میسر نخواهد شد. یونسکو نیز در سال ۲۰۱۱ گزارش خود را تحت عنوان "بحران پنهان: مخاصمات مسلحانه و آموزش" منتشر نمود و در آن مخاصمات مسلحانه را مهمترین مانع در راستای آموزش اعلام نمود. بطور مثال کاهش ۱۰٪ در هزینه‌های نظامی در ۲۱ کشور کمتر توسعه یافته معادل افزایش ۹.۵ میلیون مدارس دانش آموزان است که این مساله پیش شرطی جهت تحقق امنیت انسانی است. (<http://unesdoc.unesco.org>)

بیش از هر حوزه‌ای، اشتراک دو پارادایم در مسأله محیط زیست و حفظ امنیت زیست محیطی است. (Sanjeev, 2003: 289) در دستور کار ۲۱ ملل متحد آمده است نخستین پیش شرط توسعه پایدار، ایجاد یک نظام تجاری چند جانبه باز، مطمئن، مبتنی بر عدم تبعیض، و برابری و قابل پیش‌بینی است که در آن کالاهای صادراتی کشورهای در حال توسعه بتوانند بازارهایی با قیمت عادلانه و بدون موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه بیابند. نباید اجازه داده شود که اقدامات مربوط به حمایت از محیط زیست باعث محدودیت تجارت و یا محدودیت تجارت، سبب آسیب محیط‌زیست گردد. مشهود است که امنیت اقتصادی بستر ساز توسعه پایدار است

و هر دو بر مسایل توزیع عادلانه و ریشه کنی فقر، حفظ محیط زیست و استفاده صحیح از آن تأکید دارند. تهدیدات زیست محیطی، درگیری‌های خشونت بار، امنیت دولت جنبه‌های گوناگون امنیت زیست محیطی هستند که طی دو دهه اخیر مطرح شده‌اند. توسعه پایدار و امنیت انسانی علاوه بر دارا بودن حوزه مشترک کار، به تأثیر و تأثر از یکدیگر نیز می‌پردازند. امنیت انسانی بر این امر متمرکز است که چه کسی آسیب‌پذیر است، چگونه عملی توسط مردم در مکان و شرایط خاص برآسیب‌پذیری اثر می‌گذارد، و چه اقداماتی می‌تواند به کاهش آسیب‌پذیری منجر شود. توسعه انسان محور نیز بر کمیت و هم کیفیت امنیت زندگی متمرکز است و آن عبارت است از بهبود قابلیت‌ها و گسترش انتخاب‌های قابل دسترس برای افراد.

کسانی که به «رفاه» اندیشیده‌اند، امنیت را عامل اصلی آسایش شمرده‌اند و آنان که بر توسعه سیاسی یا اقتصادی تکیه کرده‌اند، امنیت را «عامل» و نیز «حاصل» آن تلقی کرده‌اند و همه کسانی که برای حاکمیت ارزش‌های معنوی تلاش دارند، آن را مقدمه این واجب می‌دانند. اگر با کارولین توماس هم عقیده باشیم، توسعه نیافتگی خود به مثابه ناامنی وسیع‌تری است چرا که میزان مرگ و میر ناشی از گرسنگی طی تنها دو سال، معادل شمار کشته‌شدگان یازده سال جنگ جهانی است. (اسمیت، ۱۳۸۱: ۹۱) عقب افتادگی در واقع نوعی ناامنی است، زیرا موجب تنش و بحران داخلی و ترغیب مداخلات خارجی می‌شود. همچنین تقویت قدرت نظامی بدون پشتوانه اقتصادی و صنعتی میسر نیست. (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۲)

دو مقوله «توسعه» و «امنیت» دارای پیوند نظری عمیقی‌اند. (Nef, 1999: 23) در واقع همان طور که در گزارش سال ۱۹۹۴ سازمان ملل نیز تذکر داده شده است، جهان در امنیت و صلح نخواهد بود مگر آنکه مردم در زندگی هر روزشان دارای امنیت باشند، و با توجه به اینکه در روزگار کنونی اکثر منازعات درون ملت‌ها و در قالب محرومیت‌ها و نابرابری‌ها در رشد اجتماعی - اقتصادی واقع می‌شوند، در نتیجه برای نیل به امنیت تنها راهی که پیش روی ملل است «توسعه» یافتن است. اساساً ممکن نیست ملتی بدون صلح، بدون حفاظت از محیط زیست، بدون همبستگی اجتماعی، بدون کاهش مصرف بی‌رویه منابع طبیعی، بدون فعال نمودن توان بالقوه انسانی و سرزمینی و... به اهداف عالیش برسد. تحقق این اهداف در ضمن

توسعه پایدار و متوازن ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان، می‌تواند منجر به تحقق امنیت انسانی شود. (UNDP1994.1)

بنا بر آنچه بیان شد، گرچه به لحاظ مفهومی «توسعه» اعم از «امنیت» است؛ چرا که توسعه به دنبال وسیع‌تر نمودن گستره انتخاب و اقدام مردم است که از جمله عوامل آن امنیت است، با این حال، در واقعیت خارجی این دو متلازم با یکدیگرند. این بدان معناست که توسعه یافتگی از مجرای ایجاد رفاه عمومی، ایجاد کارایی، ایجاد انضباط اجتماعی و نهادی در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی و پربرتر نمودن حوزه تعاملات آموزشی و فرهنگی، باعث کاهش مخاطرات و تهدیدها و در نتیجه ایجاد احساس امنیت می‌شود؛ و البته وجود امنیت مؤید اقدامات توسعه‌ای خواهد بود. به عبارت دیگر، این دو از یکدیگر حمایت می‌کنند. نتیجه این التفات آن است که امنیت انسانی بدون توسعه و به خصوص توسعه انسانی محقق نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

حقوق بین‌الملل بخشی از فرهنگ جهانی است که مشخصاً بر موازین و ارزش‌های مشترک انسانی استوار است. (پارک، ۱۳۷۰: ۲۹۰) در عین حال حقوق بین‌الملل به سمت و سویی در حال تحول و گذار است که مفاهیمی چون امنیت انسانی و توسعه پایدار با رژیم حقوقی جدید انسان‌محور سازگارتر می‌نماید.

امنیت و توسعه هر دو مفاهیمی هستند که از آزادی نشات می‌گیرند و در زمره منافع اجتماعی معین و الزام‌آوری می‌باشند که در جهت پیشینه کردن و ارتقای فایده به نفع انسان باید در مقام حق از آنها حفاظت شود. در بررسی سیر تحول مفاهیم امنیت و توسعه شاهد آن بودیم که امنیت با گذر از مفهوم سنتی امنیت ملی و سرزمینی به امنیت انسانی میل نمود و توسعه نیز با کیفی و انسانی شدن به سمت پیشگیری، حفاظت و پایداری متمایل شد.

در تبیین ارتباط دو پارادایم شایان ذکر است که امنیت انسانی سنگ بنای توسعه پایدار است و دستیابی به توسعه پایدار از مسیر امنیت انسانی می‌گذرد و حوزه مشترک دو مولفه نه تنها حفظ امنیت زیست محیطی بلکه حفظ ایمنی انسان در زمان حال و آینده می‌باشد. در واقع تعامل خصوصیت پیشگیرانه امنیت انسانی و آینده نگری توسعه پایدار به نوعی پایداری میل می‌کند.

مهم‌ترین حوزه پیوند امنیت انسانی و توسعه پایدار تهدیدات زیست محیطی و تاثیر آن در بقای انسان، رفاه و بهره‌وری وی از محیط پیرامون می‌باشد. تغییرات زیست محیطی اثرات مستقیم و فوری بر سلامت، معیشت انسان و حتی ثبات سیاسی دارند و بقای انسان، رفاه و کرامت وی را به مخاطره می‌اندازد. هنگامی که به رابطه میان امنیت انسانی و توسعه پایدار می‌پردازیم، ارتباط بین انسان، طبیعت و اقتصاد کاملاً مشهود و اجتناب‌ناپذیر است. البته آرمان امنیت انسانی و توسعه پایدار باید از صرفاً تلاش برای محافظت از انسان از تهدیدات زیست محیطی فراتر رود. به گونه‌ای که براساس تدوین برنامه‌های مورد نیاز و عملیاتی نمودن آن توسط دولت‌ها، نهادهای غیردولتی و حتی گروه‌ها؛ گام‌های عملی جهت به دست گرفتن فرصت‌های ارائه شده توسط محیط زیست و به رسمیت شناختن ارزش ذاتی آن، با در نظر گرفتن ارتباط عمیق انسان، جوامع و اقتصاد برداشته شود.

بهره‌ای که از توسیع ابعاد امنیت انسانی و به تبع آن تضمین ایمنی انسان در تمامت آن می‌توان برد ایجاد زمینه مطلوب و بسترسازی مناسب جهت دسترسی به توسعه پایدار است. محور پایداری یا آنچه باید برای نسل‌های آینده هم حفظ شود، استفاده پایدار از منابع طبیعی است که در سال‌های اخیر علاوه بر منابع، حفظ محیط سالم برای زندگی هم مورد توجه قرار می‌گیرد. این امر جز با آموزش و آگاه‌سازی افراد فراهم نمی‌شود که از جمله مهم‌ترین ابزار ارتقای امنیت انسانی و به تبع آن توسعه پایدار است.

باور بر این است که یک الگو به تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی همه تحلیل‌ها شود. پس نه امنیت انسانی مقدم و مستقل از توسعه پایدار است و نه توسعه پایدار چنین است بلکه در پیوند میان امنیت انسانی و توسعه پایدار آنچه قابل ملاحظه است ارتباط دوسویه و تاثیر و تاثر متقابل و دوسویه این دو پارادایم در سطح تعاملات بین‌المللی است و قدر متیقن آنکه هر دو پارادایم دارای خاستگاه حمایتی از حقوق انسان و کرامت ذاتی وی می‌باشند. هنجارهایی که به واسطه این مفاهیم در نظام حقوق بین‌الملل و در پی آن سطوح ملی ایجاد و تقویت می‌شوند باید به لحاظ قانونی مورد حمایت دولت‌ها، سازمان‌های دولتی و غیردولتی قرار گیرد و تمهیدات حقوقی لازم جهت تضمین حقوق شهروندان و ایمنی و توسعه پایدار آنها فراهم گردد.

منابع فارسی:

کتاب

- اسمیت، مایکل (۱۳۸۱)، سید محمد کمال سروریان، ریچارد لیتل، برایان وایت، مسایل سیاست جهان، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ای سالومون، مارگوت (۱۳۹۱)، مسئولیت جهانی برای حقوق بشر فقر جهانی و توسعه حقوق بین‌الملل، ترجمه فریده شایگان، تهران، انتشارات مجد
- برلین، آیزایا (۱۳۸۰)، چهارمقاله درباره آزادی، ترجمه محمدعلی موحد، تهران، نشر خوارزمی، چاپ دوم
- توماس، کارولین (۱۳۸۲)، حکومت جهانی، توسعه و امنیت انسانی، ترجمه مرتضی بحرانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- تقی نژاد، روح الله (۱۳۹۲)، پیوند توسعه و امنیت با تاکید بر دیدگاه‌های مکاتب امنیت پژوهی، تهران، نشر راشدین
- روشندل، جلیل (۱۳۹۴)، امنیت ملی و نظام بین‌المللی، انتشارات سمت، چاپ یازدهم
- سن، آمارتیا (۱۳۸۱)، توسعه به مثابه آزادی، ترجمه حسین راغفر، انتشارات کویر
- سویزی، پل (۱۳۸۷)، سرمایه داری و محیط زیست، ترجمه برزو نابت، انتشارات دیگر، چاپ اول
- فن تیگرشتروم، باربارا (۱۳۹۲)، امنیت انسانی و حقوق بین‌الملل، ترجمه اردشیر امیر ارجمند، نشر مجد
- گری، جان (۱۳۸۹)، فلسفه سیاسی استوارت میل، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، طرح نو، چاپ دوم
- ندروین پیترز، جان (۱۳۹۵)، نظریه توسعه، ترجمه انور محمدی، نشر گل آذین، چاپ دوم
- یزدان فام، محمود (۱۳۹۰)، دولت‌های شکننده و امنیت انسانی، پژوهشکده مطالعات راهبردی غیر انتفاعی، تهران

مقالات

- پارک، نوهایونگ (۱۳۷۰)، جهان سوم به مثابه یک نظام حقوق بین‌المللی، ترجمه محسن

محبی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۹

- قاسمی، محمد علی (۱۳۸۷)، نسبت امنیت انسانی و توسعه پایدار، فصلنامه مطالعات راهبردی،

سال یازدهم، شماره سوم، شماره مسلسل ۴۱

English resources

Books:

- Boyle, Alan (2005), **Codification of International Environmental Law and the International Law Commission, Injurious Consequences Revisited**, in International Law and Sustainable Development, Alan Boyle and David Freestone (eds.), New York, Oxford University Press
- Krause, Keith (2004). **Is Human Security More than Just a Good Idea?** in Brief 30: Promoting Security, But How and For Whom? Contributions to BICC's Ten - year Anniversary Conference, 43-46. Bonn: Bonn International Center for Conversion
- **Globalization, Development and Human Rights**, in Henry J. Steiner and Philip Alston, (2000), **International Human Rights in Context**, Oxford University Press, Second Edition
- Mill, J.S. (1972), **Utilitarianism on liberty and considerations on representative government**, London, dent
- Nef, Jorge; (1999), **Human Security and Mutual Vulnerability**, International Development Research Centre, Ottawa
- Ogata S., (2001), **State security- human security**, The Fridtjof Nansen Memorial Lecture, Tokyo, 12 December
- V. Dimitrijevic, (1984) **A natural or Moral Basis for international Law**, in A. Grahl madsen J. toman (eds) The spirit of Uppsala, proceeding of the joint UNITAR Uppsala university seminar on international law and organization for a new world order (Walter de Gruyter)
- W. Emerson, John & et.al, (2012), **Environmental Performance Index and Pilot Trend Environmental Performance Index**, Yale Center for Environmental Law & Policy, Yale University

Articles:

- King, Gary (2002), and Christopher JL Murray.. **Rethinking Human Security**, Political Science Quarterly 116 number 4
- Khagram, Sanjeev, William C. Clark, and Dana Firas Raad. (2003), **From the Environment and Human Security to Sustainable Security and Development**. Journal of Human Development 4(2)

Site:

- Barry Dalal-Clayton and Stephen Bass ,(2002) **Sustainable Development Strategies: A Resource Book**. Organisation for Economic Co-operation and Development, Paris and United Nations Development Programme, New York ,www.-iied.org
- <http://www.unic-ir.org/hr/rio-declaration.htm>
- Human Development report(1994),New Dimensions of Human security ,at 22 et seq ,Human Development report (1999),at36 et seq, Available at: <http://har.undp.org/en/reports/global/har1994>
- [www.worldbank.org /Report of 2011](http://www.worldbank.org/Report%20of%202011)
- <http://unesdoc.unesco.org/images/0019/001907/190743e.pdf>

